خراسان بزرگ: سال هفتم، شماره (۲۳)، تابستان ۱۳۹۵
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.7, No.23, Summer 2016

نقش و جایگاه حرم مطهر رضوی در شکل گیری و تکامل حیات شهری مشهد الرضا

علی زارعی[۱]
حسن هاشمی زرج آباد[۲]
ذبیح الله مسعودی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۶
شماره صفحات: ۱۱۵-۱۰۵

چکیده

مهمترین عامل پیدایش و گسترش شهر مشهد را باید در وجود بارگاه مطهر حضرت رضا (ع) جستجو نمود . با به شهادت رسیدن امام (ع) در سال ۲۰۳ هجری قمری و دفن حضرت در باغ سناباد توس و ایجاد بقعه ای کوچک ،فرایند توسعه کالبدی –فضایی حرم مطهر و به تبع آن مشهد الرضا در طی ادوارمختلف تاریخی فراهم گردید و به تدریج تولد شهری عظیم را در درون روستایی کوچک دریافت و بویژه از دوره صفویه به بعد شهر مشهد در پرتو نقش مذهبی و سیاسی خود در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی ،ارتباطی،خدماتی ،علمی و فرهنگی با شتاب رو به توسعه نهاد . از آن جاییکه هدف از پژوهش حاضر شناخت و بررسی تاریخ شکل گیری و روند تحول و گسترش شهر مشهد، در نتیجه نقش موثر و بنیادین بارگاه رضوی می باشد، روش پژوهش منطبق بر روش توصیفی- تحلیلی و به صورت مطالعه ی اسنادی و کتابخانه ای است. نوشتار حاضر بر آن است تا با استناد به قرائن تاریخی، بیان نماید مشهد الرضا در مسیر تکامل خویش در عصر صفوی و پایتختی آن در دوره زمامداران نادری و شکوفایی نسبی آن در طول سلطنت قاجار، از ابتدای شکل گیری تا به امروز موجودیت خویش را مدیون وجود بارگاه رضوی است.

کلیدواژه‌ها: بارگاه رضوی، مشهدالرضا، امام رضا(ع)، نوغان، سناباد

۱. استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند azareie@ birjand.ac.ir
۲. دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند
۳. کارشناس ارشد گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند

مقدمه

تاریخ شهر مشهد که به قدمتی حدود یکهزار و دویست سال می رسد داستان پیدایش و گسترش شهری و سیر حوادث زندگی مردمانی است که اولین فصل آن با شرح واقعه شهادت و خاکسپاری پیکر مطهر هشتمین امام همام (ع) آغاز و سپس با توسعه تدریجی این شهر در ادوار بعدی تطور می یابد و سرانجام با وضعیت کنونی، مشهد الرضا بعنوان دومین کلان شهر مذهبی جهان پس از مکّه مکرّمه تداوم می یابد.

شهر مشهد که امروز کرسی خراسان ایران است (لسترینج،۱۳۹۰ :۴۱۴) ازآغاز حیات خویش تاکنون ادوار پرفراز و نشیبی را طی نموده و بر خلاف بسیاری از شهرهای همزمان خویش که دوره ای از رشد و رونق بسزایی برخوردار بودند و بنا به دلایل متعددی اثری از آنها باقی نماند، اما مشهد از جمله شهرهایی است که مقاوم و سرفراز برپای ایستاده، چرا که مرقد مطهر امام رضا (ع) فلسفه وجود و راز و رمز حیات و ضامن دوام و بقای آن بوده است و خواهد بود.

اگرچه به شهادت تاریخ، آهنگ سرعت رشد و توسعه مشهد بویژه از روزگار سلطنت صفویان و بخاطر توجه آنان به ترویج آیین تشیع رو به افزایش گذاشته است اما مشهد در پیش از صفویه و از نخستین قرنهای پیدایش نیز مورد توجه شیعیان و حتی پادشاهان سنی مذهب بوده است (بیهقی،۱۳۵۶: ۵۳۱ و نیز ابن اثیر ،۱۳۵۱: ۵۱۴) و توجه به توسعه و آبادانی مرقد امام رضا(ع) و اماکن اطراف آن در ادوار مختلف، باعث گردیده تا بتدریج بر وسعت و اهمیت و اعتبار این شهر افزوده شده و زمینه برای پیدایش شهری بزرگ فراهم گردد. دهکده سناباد که هسته اولیه این شهر را تشکیل می دهد، پس از واقعه شهادت و به خاکسپاری پیکر امام رضا (ع) در باغ حمیدبن قحطبه(ابودلف،۱۳۵۴: ۸۴) که در ابتدا نام جدید مشهد الرضا (سیدی ،۱۳۷۸: ۱۴)را پذیرفت و سپس در طول چندین قرن میزبان مجاورین و مهاجرین علاقمند به مرقد مطهر امام هشتم گردید.

تاریخ مشهد از پیدایش تا کنون، تاریخ گسترش و توسعه شهری و رویدادهای مختلف می باشد که در طول چندین قرن رقم خورده است و از آنجا که مشهد الرضا در سناباد واقع بوده و دهکده سناباد نیز به عنوان دهکده ای از توابع نوغان توس به شمار می آمده است، ناگزیر تاریخ مشهد بویژه در قرنهای سوم تا نهم هـ . ق با تاریخ توس که سناباد تابعی از آن بوده پیوندی ناگسستنی دارد. بنا براین اگر چه باید سیر تحولات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مشهد این دوران را در بخش تاریخی و توابع ولایت توس مورد مداقه قرار داد اما باید توجه نمود که مشهد در مقایسه با دیگر توابع توس به واسطه اهمیت مذهبی، رویدادهای مختلفی را تجربه نموده که بیشتر آن وقایع مربوط به قبر و بارگاه امام رضا (ع) و اماکن وابسته بدان بوده است که این وقایع امروزه به عنوان بخشی از تاریخ آستان قدس رضوی مطرح می باشد. بنابراین چون حوادث مختلف تاریخ مشهد را در دورانهای قبل از گسترش شهری نمی توان در تحت پوشش تاریخ یک دهکده از ولات خراسان مورد بررسی قرار داد و باتوجه به اینکه مشهدالرضا و سپس مشهد طوس در سالهای قبل از شکل گیری مشهد از وقایع مهمی برخوردار بوده اند، لذا باید تاریخ مشهد در این دوران را در تاریخ آستان قدس مورد مطالعه قرار داد زیرا در واقع تاریخ وقایع اختصاصی مشهد در سالهای قبل از قرن نهم هـ . ق به نوعی همان تاریخ آستان قدس رضوی است. چرا که سناباد دهکده ای از توابع توس بوده است و چندان اهمیتی نداشته تا تاریخی مستقل داشته باشد. اهمیت و قداست مشهد و آستان قدس رضوی باعث گردیده است تا نویسندگان بسیاری از قدیم الایام درباره تاریخ آستان قدس رضوی، زندگانی سیاسی امام رضا (ع) و مشهد قلم فرسایی نموده و آثار ارزشمندی از خود بیادگار بگذارند(قصابیان،*۱۳۷۷*: ۷-۶).

اینک با توجه به مباحثی که مطرح گردید به طور مختصر و با تکیه بر منابع موثق تاریخی به بررسی روند گسترش هسته اولیه مشهد الرضا از آغاز پیدایش که مدفن امام رضا (ع) نقطه عطف آن به شمار می رود خواهیم پرداخت:

۲-وجه تسمیه و پیشینه تاریخی نام مشهد

مشهد به معنای محل شهادت، مدفن شهید و به معنی شهود (*لغت نامه دهخدا*، ذیل عنوان مشهد) از ابتدای سده سوم هـ . ق که امام علی بن موسی الرضا(ع) در این محل مدفون گردیدند، پدیدار گردید. در منابع و متون تاریخی از نام مشهد به صور گوناگونی ذکر گردیده است. در کتب مورخین و جغرافی نویسان قرن سوم هجری همچون ابن خردادبه و یعقوبی تنها به شرح چگونگی شهادت امام(ع) و دفن آن در سناباد اشاره شده و از مشهد ذکری به میان نیامده است. احتمالاً اصطخری اولین شخصی است که در قرن چهارم هجری به نام مشهد اشاره می کند (اصطخری، *۱۳۶۸*: ۲۰۳). لیکن برخی دیگر از نویسندگان قرن چهارم هجری همچون ابن بابویه قمی و مقدسی در توصیف مرقد امام، واژه مشهد الرضا را در نوشته های خود به کار برده اند (مقدسی،*۱۳۶۱*، ج۲: ۱۵۵).

در قرن پنجم هجری برخی دیگر از نویسندگان چون گردیزی (گردیزی ،۱۳۶۳: ۹۳) تنها به ذکر چگونگی وفات امام پرداخته اند و بیهقی در اثر مشهور خویش به ذکر نام مشهد و توصیف آن دیار پرداخته است (بیهقی،۱۳۵۶: ۵۳۱).همزمان با قرن ششم هجری نام مشهد در منابع و متون تاریخی استعمال بیشتری می

یابد، چنانکه مؤلف کتاب *مجمل التواریخ و القصص* از حمل دفن امام‌رضا(ع) به مشهد نام می برد (*مجمل التواریخ و القصص*،*۱۳۱۸*: ۳۵۲).

ابن اثیر مؤلف و مورخ قرن هفتم هجری ضمن تخریب و ویرانی شهر مشهد در نتیجه حملات مغولان به خراسان نام مشهد را در اثر خویش متذکر می گردد(ابن اثیر،*۱۳۵۱*: ۱۵-۱۱۴).پس از آنکه مشهد گسترش بیشتری یافته است کلمه مشهد با اندکی تغییر به صورتی جدید یعنی مشهد طوس مصطلح گردیده است (مستوفی،*۱۳۶۲*: ۱۵۱).

ابن بطوطه جهانگرد عرب در طی سفر خود به خراسان در قرن هشتم هجری به ذکر اسم مشهد در سفرنامه اش می پردازد (ابن بطوطه، *۱۳۶۸*،ج ۱: ۴۴۱). اما اسفزاری اصطلاح مشهد مقدس و گاهی مشهد طوس و مشهد الرضا را در کتابش آورده است (اسفزاری، *۱۳۳۹:* ۱۷۴ تا ۳۵۳). با توسعه بیشتر شهر مشهد در طول قرون هشتم و نهم اصطلاح مشهد طوس و مشهد مقدس رایج بوده که در لابه لای متون تاریخی ذکری از آن به میان آمده است (حافظ ابرو،۱۳۷۰: ۹ تا ۵۴.سمرقندی،۱۳۵۳: ۱۴۵.سمرقندی ،۱۳۵۷: ۲۰۶.میرخواند،۱۳۳۹: ۱۱۷.عوفی،۱۳۶۱: ۱۱۷). بدین ترتیب کلمه مشهد که در طول چند قرن با مضاف الیه های گوناگونی به کار برده می شده است، بطور معمول از قرن دهم هجری به بعد به صورت مشهد مقدس و سپس به اختصار مشهد نامیده شده است. با کنکاش در متون تألیف شده در دوره قاجاریه توسط نویسندگانی چون اعتمادالسلطنۀ (اعتمادالسلطنۀ، *۱۳۶۴*،*ج ۱:* *صص متعدد*) بسطامی (بسطامی، *۱۳۱۵:* ۳۰-۴) عباس قمی (قمی، *بی تا:* ۱۱-۵) هروی (ادیب هروی، *۱۳۲۷:* ۲۳۷-۳۳) و بارتولد (بارتولد، *۱۳۵۸:* ۱۳۴) نام مشهد را تنها، در آثار خویش بیان نموده اند.

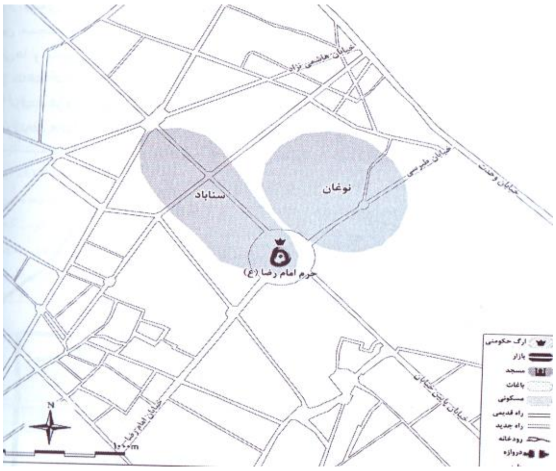
۳-مشهد الرضا از شهادت امام رضا(ع) تا حمله مغول

به فاصله اندکی پس از شهادت امام رضا (ع) امارت طاهریان برسرزمین خراسان آغاز گردید. در این دوره درباره ولایت توس و مشهد الرضا اخبار و اطلاعات زیادی در دست نیست و به نظر می رسد که مشهد الرضا در دوران سلطه طاهریان برسرزمین خراسان چندان مورد توجه واقع نبوده وآنچه که در منابع تاریخی به آن استناد گردیده مرتبط با خبر وجود مزار امام در سناباد توس بوده است. در این دوره با انتخاب نیشابور به عنوان پایتخت توس، سناباد اهمیت سیاسی خود را از دست داد، اما پس از مدتی سناباد اهمیت از دست رفته خویش را به خاطر وجود مزار امام (ع) بازیافت و بتدریج مورد توجه شیعیان گردید.

با روی کار آمدن سامانیان و در سایه حمایت امرای سامانی دوره ای از رشد وشکوفایی برمشهد الرضا حکمفرما گردید. زمان امارت ابومنصور عبدالرزاق توسی، دوران اعتلای معنوی و فرهنگی توس به شمار رفته و به تبع آن مشهدالرضا هم از گسترش خاصی برخوردار گردید(ابن بابویه قمی، *۱۳۶۲*،ج ۲: ۷۲۷-۷۱۹). ابن حوقل در نتیجه گزارش خود درنیمه دوم قرن چهارم هجری از مشهدالرضا یاد می کند که «قبر علی بن موسی الرضا علیها السلام در بیرون شهر نوقان است و در مجاورت قبر رشید در مقبره ای زیبا در قریه ای بنام سناباد است که حصنی استوار دارد و گروهی در آن معتکف اند»(ابن حوقل، *۱۳۶۶:* ۱۶۹) .با دقت در مطالب منقول از *صورة الارض* ابن حوقل، وجود حصن یا بارو برگرد مقبره هارون و امام رضا (ع) در دهکده سناباد سندی بر تعمیر و توسیع روضه مقدس رضوی و اضافاتی بر تعداد اماکن مرقد مطهر امام (ع) بوده و گروهی از زائران در آنجا به اعتکاف مشغول می شدند که توسط حصاری دفاعی که می توان آن را اولین باروی مشهد در نظر گرفت، محافظت می گردیده است.

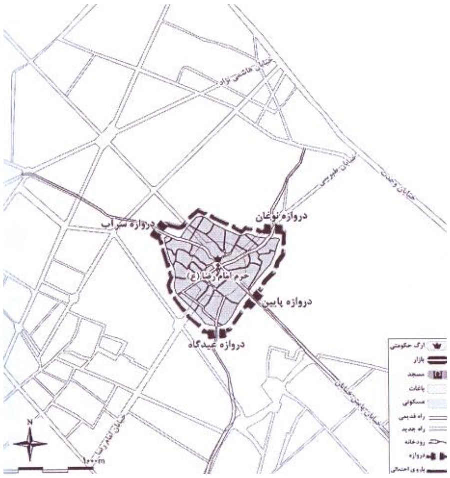
از مورخین معتبر دیگری که در سده چهارم در آثار خویش به گسترش مشهدالرضا اشاره‌ای کرده‌اند می توان به مقدسی و بیهقی اشاره نمود که به وجود حصار، مسجد، بازار و خانه های مسکونی فراوان در پیرامون مرقد مطهر رضوی که گویای جمعیت شهر اعم از مجاور و زایرین آن می باشد، می‌پردازند (مقدسی،*۱۳۶۱ ج ۲* :۴۸۸؛ بیهقی، *۱۳۵۶* :۵۳۱) که تقریباً تاریخچه دویست ساله مشهد را ازپیدایش تا اواخر قرن چهارم ارائه نموده اند.

در نتیجه اقرار امرای آل بویه به مذهب تشیع، زمینه گسترش مشهد بیش از پیش فراهم گردید و بویژه مرقد امام‌رضا(ع) ساخته و پرداخته گردید (اشپولر، *۱۳۶۹*، ج۱: ۱-۳۳۰).



نقشه ۱. دهکده سناباد و حرم مطهر رضوی در سده های نخستین هجری (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۹٤)

پس از به قدرت رسیدن غزنویان و آرامش نسبی که در ولایت توس در سایه لیاقت و کاردانی ارسلان جاذب، سپه دار توس، حکمفرما گردیده بود مشهد الرضا رو به ترقی و پیشرفت گذاشت (سایکس، ۱۳۳۶ ،ج ۱: ۲۹). با استناد به متون و منابع تاریخی و در نتیجه علاقه و احترام حاکمان و امرای این دوره نسبت به بارگاه رضوی، اقدامات عمرانی قابل توجهی در طول دوره غزنوی که نشان دهنده افزایش جمعیت در این مقطع تاریخی است صورت پذیرفته است و چه بسا حاکمان سنی مذهب غزنوی را در جهت رفاه و تأمین خدمات شهری موردنیاز مشهدالرضا که در آن زمان سناباد را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود، وادار به ساخت تأسیسات شهری من جمله مسجد، کاروانسرا، کاریز و بارو می نمود (ابن اثیر، *بی تا* ،ج ۱۶: ۵-۱۱۴؛ بیهقی، ۱۳۵۶ ج۱: ۶۰۹ و۶۱؛ امور فرهنگی آستان قدس، ۱۳۵۶ : ۲۵؛ کاویانی، ۱۳۵۴ :۵۴).



نقشه ۲. موقعیت مشهد در دوره غزنویان (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲۶۲)

علی رغم سیطره درازمدت سلجوقیان بر سرزمین ایران منابع و متون تاریخی این دوره اخبار و روایات روشنی از وضعیت توسعه مشهدالرضا و بارگاه رضوی ارائه نمی کنند. با توجه به گرایش حاکمان این دوره به مذهب تسنن و نزاع و دشمنی شدید آنان با تشیع بالاخص فرقه اسماعیلیه، دور از ذهن نخواهد بود که چندان اهتمامی به توسعه و عمران حرم رضوی و شهر مشهد داشته باشند ولی در عین حال در سایه سیاست برخی از وزرای مشهور این دوره چون خواجه نظام الملک، آلب ارسلان و ملک شاه سلجوقی را تشویق به زیارت و تجلیل از بقاع متبرکه مشهد و قم می نمود (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۸۹. پاول، ۱۳۴۹: ۵۲).

بیشترین تلاش در جهت توسعه مشهد و حرم رضوی در دوره سلاجقه به همت سلطان سنجر صورت پذیرفت و بقعه منوره علی بن موسی الرضا(ع) عمارت (شوشتری، ۱۳۵۷: ۶۴۶)و دیواره حرم با کاشیهای بسیار نفیس و ارزشمندی تزئین گردید. به دنباله

حملات ترکمانان غز در اواسط قرن ششم هجری، بسیاری از شهرهایی چون هرات، توس و نیشابور غارت و ویران گردید و بسیاری از مردان آن کشته و زنان آن به اسارت برده شدند و «از ولایت توس جایی سالم نماند مگر شهری که در آن مشهد علی بن موسی الرضا قرار داشت» (ابن اثیر، *۱۳۵۶*، ج۲۰: ۲۴۹) .بنابراین آنچه در این زمان مانع از قتل و غارت مشهدالرضا گردید رعایت قداست این شهر بخاطر وجود حرم مطهر رضوی بود.

هرچند عمر حکومت خوارزمشاهی نسبت به دوره سلاجقه بسیار محدودتر بود ولی با این وجود به نظر می رسد که امرا و حکام عهد خوارزمشاهی من جمله سلطان محمد خوارزمشاه نسبت به ترمیم و آبادانی مشهد توجه خاصی مبذول داشته اند.آثار و مدارک تاریخی بجای مانده از این دوره همانند وجود سنگاب خوارزمشاهی (بینش، ۱۳۳۹: ۱۰۸-۷۵) وجود کاشیهای زرین فام متعالی در ازاره حرم رضوی و محرابهای نفیس متعددی که دارای ماده تاریخی ۶۱۲ هجری می باشند (امورفرهنگی آستان قدس،۱۳۵۶: ۲۹و نیز مؤتمن، *۱۳۴۸*: ۵) نشان از توسعه تعمیرات و اهمیت حاکمان این سلسله در توسیع بارگاه رضوی ونشان دهنده گسترش شهر دراین دوره می باشد.

٤-مشهد الرضا و امرای مغول

با تهاجم و حملات مغولان در اوایل قرن هفتم هجری و عقب نشینی نیروهای خوارزمشاهی بسیاری از شهرهای خراسان از جمله نیشابور و توس به تصرف آنان در آمد و مورد قتل و غارت قرارگرفت؛ «آرامگاه علی بن موسی‌الرضا (ع) و مقبره هارون الرشید را خراب کردند و همه را به صورت ویرانه ای در آوردند» (ابن اثیر، *۱۳۵۶*، ج۲۶: ۲۰۳). با مداقه قراردادن برخی از متون دیگر این دوره به نظر می رسد در کنار قتل و غارتهای بی شمار این دوره، چنگیز خان و فرزندان او از تخریب و غارت مشهدالرضا خودداری نمود و آنجارا دار الامان خواند (خنجی، *۱۳۴۱* : ۳۴۹).

باروی کار آمدن ایلخانان مغول و تلاش آنها در جهت تعمیر خرابیهای بعمل آمده، اقدامات مهمی در زمینه عمران و آبادی و سر و سامان دادن به اوضاع کشور صورت پذیرفت و با وجود اسلام آوردن برخی از حاکمان مغولی چون تکودار، غازان خان و اولجاتیو و پیوستن وزرای دانشمندی چون خواجه نصیرالدین طوسی و فضل الله همدانی به دستگاه حکومت تا حدود زیادی قتل و غارت از سرزمین ایران رخت بر بست (مینورسکی،۱۳۴۱: ۶۴۳؛ همدانی، فضل الله، *۲۵۳۵*: ۶۲). در بین حاکمان ایلخانی سلطان محمد خدابنده با قبول مذهب تشیع بیش از سایرین، نقش مهمی در توسعه حرم رضوی و ایجاد اضافات و اقدامات عمرانی در مشهد مقدس ایفا نمود؛ در نتیجه بارگاه امام(ع) و به تبع آن شهر مشهد می توانسته در زمان این حاکم مشهور به «اولجایتو» رونق نوینی یافته باشد (خوافی، *۱۳۳۹*: ۱۷. قمی، *بی تا*: ۹). ابن بطوطه مغربی که در سال ۷۳۴ هجری از مشهد دیدن می نماید در توصیف این شهر آنرا شهری بزرگ و پرجمعیت یافته و به طرز نیکویی از بارگاه علوی و اماکن پیوسته به آن گزارش می دهد (ابن بطوطه۱۳۶۸ ، ج ۱: ۴۴۱).

بنابراین عواملی چون امنیت نسبی و وجود مرقد امام (ع) و جاذبه های مذهبی آن در شهر مشهد به هنگامی که در توس دیگر از رشد و رونق گذشته اثری نبود می تواند از مهمترین علل مهاجرت مردم این شهر و یا سایر شهرهای دیگر به اماکن امن اطراف بارگاه رضوی قلمدادگردد و عوامل فوق الذکر را شاید بتوان نتیجه گسترش بالفور شهر مشهد در اواخر حکومت ایلخانیان برشمرد.



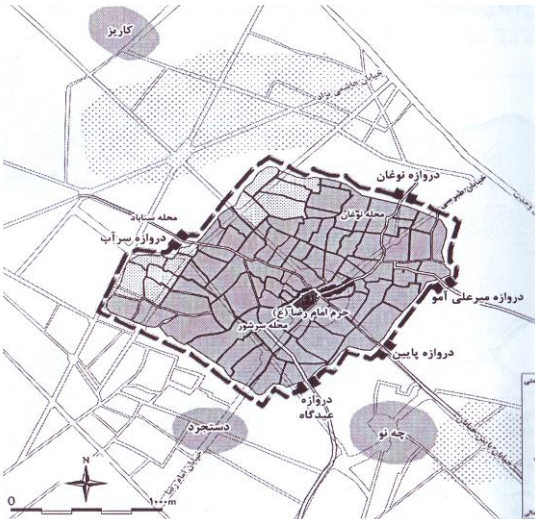
نقشه ۳. توسعه مشهد در دوره ایلخانی (پاکزاد،۱۳۹۰: ۳۳۸)

۵-تیموریان و شکوفایی مشهد

علل و عوامل مختلفی که در ادوار گذشته در روند گسترش مشهد الرضا دخالت داشتند در این دوره بر اهمیت آنها افزوده شد و باعث توسعه بیش از پیش شهر و بالابردن جایگاه مذهبی آن گردید و این همه درسایه علم دوستی، دانش پروری و توجه خاص سلاطین تیموری به اقدامات عمرانی بود. از جمله اخبار مهم درباره اهمیت مشهد، مطلبی است که حافظ ابرو مورخ نیمه اول سده نهم از آن یاد می کند:«این موضع که حالا که به مشهد معروف است قریه بود که آن را سناباد می خواندند. به سبب مزار متبرک سلطان خراسان شهرتی گرفت و سادات در آن جا مقام کردند. حکام و سلاطین تعظیم قبر و رعایت ادب، اهالی آن را از زحمات و تکلفات معاف داشتند و به برکت آن، جایی معتبر شد. امروز از شهرهای معظم خراسان یکی آن است»(حافظ ابرو، *۱۳۷۰: ۴-۶۳*).کلاویخو سفرنامه نویس اسپانیایی در نتیجه سفر خود به شهر مشهد در این دوره از عمران و آبادانی آن یاد می کند و می نویسد: «مشهد، شهر عمده زیارتی این حوالی است و سالانه گروه بی شماری به زیارت آن می آیند» (کلاویخو، *۱۳۶۶* : ۱۹۲). در نتیجه صدارت و علاقه شاهرخ میرزا، فرزند تیمور، بر امارت خراسان، اقدامات عمرانی متعددی انجام شد. زیارات مکرر وی به مشهد باعث توجه حکام و مأموران دولتی می گردید و زمینه را برای جلب بیشتر امکانات و خدمات شهری فراهم می ساخت. با ایجادحصار جدیدی پیرامون شهر و افزایش جمعیت مشهد در نتیجه مهاجرت بخش عظیمی از مردمان توس، توسعه یکباره شهر مسلم گشت (شریعتی، *۱۳۶۳: ۱۴۲*). از مظاهر عمده دیگر این دوره حضور شاهرخ و همسرش گوهرشاد در سال ۸۲۱ هجری جهت زیارت و تماشای بنای پایان یافته مسجد گوهرشاد بود. شاهرخ قندیلی سه هزار مثقالی از طلا پیشکش حرم رضوی نمود و هم فرمان احداث باغ و کاخ سلطنتی را درمجاورت بارگاه رضوی صادر کرد. (خوافی، *۱۳۳۹* ج۳: ۲۳۴. حافظ ابرو،۱۳۷۲ ، ج ۲: ۴۰و ۶۲۹. اعتماد السلطنهٔ، *۱۳۶۲*، ج۲: ۲۸۵).

در دوران صدارت سلطان حسین بایقرا و به همت وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوایی به مشهد، توجهی خاص مبذول گردید و خدمات زیادی در جهت توسعه و عمران خراسان بویژه مشهد صورت پذیرفت؛ که از مهمترین آنها می توان به انتقال آب چشمه گلسب توس به مشهد، احداث صحن عتیق، ایوان و مدخل اصلی حرم امام هشتم اشاره نمود. (اسکندربیک، *۱۳۵۰: ۸۵۴*. خراسانی، *۱۳۸۲: ۶۵۸*. امورفرهنگی آستان قدس، *۱۳۵۶: ۳۳*).

بنابراین در یک نگاه کلی می توان گفت که در نتیجه ویرانی شهر تابران توس و انتقال آب به مشهد، این شهر از آن به بعد مرکز ولایت توس گردید. به لحاظ سیاسی می توان شهر مشهد را بعد از سمرقند و هرات سومین شهر ایالت خراسان لحاظ نمود. به لحاظ مذهبی به سبب رشد تشیع و وجود بارگاه مطهر رضوی مورد توجه عموم مردم ایران و حکام تیموری واقع می گردد به گونه ای که بیش از چند برابر ابنیه و آبادی ها و محله های پیشین به محدوده حرم افزوده شده است. بخشهایی چون دارالحفاظ، دارالسیاره، مدارس دو در، پریزاد و بالای سر و مسجد مشهور گوهرشاد تماماً در این دوره ساخته و الحاق گردیده است. و بطور کلی می توان گفت که در اواخر دوره تیموری مشهد مقدس مهم ترین مرکز سیاسی و مذهبی شرق ایران به شمار می‌رفته است.



نقشه ٤. حیات شهری مشهد دوره تیموری (پاکزاد،۱۳۹۰: ۳٦۹)

٦-مشهد الرضا و فرمانروایی صفویان

با ظهور سلسله صفویه دوران جدید کامیابی مشهد آغاز گردید. اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ هـ.ق) مذهب تشیع را به عنوان مذهب ملی رسمیت بخشید و همراه باحفظ این، به فکر شهرهای مقدس در داخل مرزهای ایران بود؛ مخصوصاً شهرهایی مانند مشهد و قم، یک چهره با اهمیت در دستور جانشینان بعدی قرار گرفت. زیارت مقابر مقدس دراین مکانها یک جنبش مذهبی قابل ملاحظه ای را تجربه می کند (streek,1991:713-716). تشیع اثنی عشری عامل مهمی در تبلیغات مذهبی و ایدئولوژی سیاسی به شمار می رفت. بطوریکه اکثر مقابر برپاشده در این عصر، دارای عملکرد مذهبی بودند. شاهان صفوی از یک طرف به جهت مقابله ایدئولوژیکی با دشمنان دیرینه خود یعنی امپراطوری عثمانی و ازبکان و اتحاد ملی در برابر آنان و از سوی دیگر به خاطر اینکه به حکومت خود جنبه روحانی و تقدس و مشروعیت ببخشندخود را از تبار ائمه اطهار معرفی کرده و سپس به رونق مقابر امامان و فرزندان آنها و یا افراد دیگری که بهرجهت در ارتباط با مذهب تشیع بودند، در جهت اجرای سیاستهای خود اقدام نموده و توانسته بودند از یک مقبولیت عمومی برخوردار گردند. در این میان به جد می توان گفت وجود مرقد مطهر امام هشتم (ع) در مشهد و اهمیتی که دربار صفوی بدان می دادند توانست در تثبیت حکومت صفوی موثر واقع گردد.

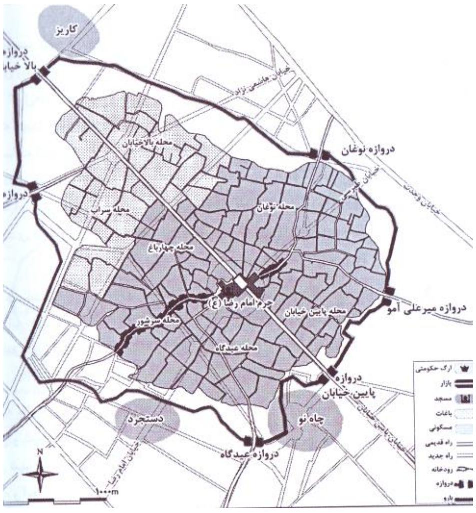
با رسمیت یافتن مذهب تشیع و توجه شیعیان به زیارت مرقد امام رضا و توسعه مشهد، سازمانی رسمی برای سرپرستی اماکن مقدسه مشهد بوجود آمد. در دوره زمامداری صفویان تولیت آستان قدس رضوی همواره شاه بود و فرامین متولی برای موقوفات را شاه صادر می نمود. بطور معمول در این دوره موقوفات آستان قدس در اختیار خاندان سلطنتی قرارداشت وگاه از پرداخت هر نوع مالیاتی معاف بودند و شاه می توانست در غیاب خود نماینده ای با عنوان نایب التولیه منصوب نماید (میراحمدی، *۱۳۷۱:* ۱۶۴) .به لحاظ پیوند بسیار نزدیکی که بین دربار صفوی و سادات رضوی وجودداشت مقام تولیت به آنان واگذار می گردید (اسکندربیک، *۱۳۵۰* ،ج۱: ۱۵۱. استرآبادی، *۱۳۶۶:* ۴-۲۴۳ و شاملو، *۱۳۷۱*، ج۱: ۲۱۲) و همواره به هنگام زیارت از بارگاه رضوی، سادات از احترام زیادی در نظر شاهان صفوی برخوردار بودند(طاهری، *۱۳۵۴:* ۱۳۲).

در نتیجه رشد و افزایش جمعیت و اهمیت یافتن شهر مشهد دردوره صفویه و حفاظت از عمارات و ذخایرآستانه مقدسه و مجاورین و ساکنان آن از حملات و تهاجمات دشمنان بالاخص ازبکان دراوان دوره صفویه و بدستور شاه طهاسب حصار و برج و بارویی به مراتب گسترده نیز از ادوار قبل پیرامون شهر مشهد احداث گردید که از دروازه های متعددی برخوردار بود (شریعتی، *۱۳۶۳:* ۴۲؛ ییت، ۱۳۶۵: ۳۰۱). بنابراین با شروع سلطنت و زمامداری صفویان، مشهد وضعی متفاوت باگذشته یافت و به سرعت رو به توسعه نهاد که علت این پیشرفت و گسترش را باید علاقه و توجه پادشاهان و امرای صفوی دانست. در این دوران به دلایل مختلفی از قبیل رسمیت یافتن مذهب تشیع در کشور و افزایش توجه شیعیان به اماکن مقدسه ایران به خصوص مرقد مطهر امام رضا(ع)، حضور شاهان صفوی در مشهد و انجام مراسم عبادی و زیارتی و نیز برقراری امنیت در مشهد و اطراف آن و مسائلی دیگر همچون مناسب بودن وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی و علاقه شیعیان به اقامت در کنار حرم‌امام (ع) مشهد رو به گسترش گذاشت و با ایجاد بناهای مختلف و خیابان سازی و فراهم ساختن امکانات شهری و کوچانده شدن طوایف مختلف به خراسان از جمله به مشهد برجمعیت آن نیز افزوده گشت و وسعت و رونق مشهد بیش از پیش زمینه بهتر بیشتری را برای جلب زوار و مسافران فراهم ساخت. در این دروه به واسطه توجه شاهان و امرای صفوی و شیعیان علاقمند به توسعه اماکن اطراف حرم مطهر و احداث ساختمانها و بناهای مذهبی از جمله مساجد و مدارس توجه شایانی مبذول شد و مساجد و مدارس فراوانی در مشهد احداث گردید؛ به گونه ای که تعداد بناهای دورانهای قبل با بناهای ساخته شده در عهد صفویه قابل مقایسه نبود. از طرف دیگر با حضور بیشتر علمای برجسته تشیع، حوزه علمی مشهد بیش از پیش فعال شده و مشهد به عنوان یکی از بزرگترین مراکز علمی مطرح گردید.

مشهد دوران صفوی به واسطه آنکه پذیرای مقدم تعداد زیادی از زائران بوده، یکی از مراکز مهم صنعتی و کشاورزی عهد صفویه به شمار می آمده است و کارگاههای مختلف صنعتی از جمله ضرابخانه، نساجی، فلز کاری، اسلحه سازی و لوازم جنگی صفویان نیز در این شهر وجود داشته است.(قصابیان، *۱۳۷۷:* ۲۳۵-۲۲۹) از دلایل دیگر اهمیت مشهد آنکه سلاطین صفوی برای نائل شدن به اهداف اقتصادی و سیاسی ناگزیر به گسترش و رونق بخشیدن این مکان مذهبی گردیدند و باتوجه به اینکه «زیارتگاهها همیشه در عین حال مراکز تجارت را تشکیل داده اند» باعث گردید که بازارهای مشهد جهان نمای زنده ای از ملل مختلف شرقی گردد (بارتولد، *۱۳۵۸:* ۱۳۴).

بنابراین درباره اهمیت و چگونگی پیشرفت مشهد در عهد صفویان چنین می توان بیان نمود که سلاطین صفوی با اهمیت دادن به زیارتگاه حضرت رضا(ع) به دنبال ایجاد یک مکان زیارتی ملی بودند و «ایران در زمان سلاطین صفویه نه تنها چیزی را از دست نداد بلکه با شناختن شهر مشهد به عنوان یک شهر

مقدس پیشرفت فراوان کرد و رونق این شهر و مکان زیارتی آن به عنوان یک زیارتگاه عمومی یک ضرورت حتمی برای متحد ساختن اقوام امپراطوری بزرگ صفوی محسوب می گشت» (ریچاردز، *۱۳۴۳:* ۱۹۸-۱۹۶).



نقشه ٥. گسترش مشهد دوره صفویه (پاکزاد، ۱۳۹۰: ٤۲۲)

۷-مشهد: پایتخت سیاسی- مذهبی افشاریه

پس از هجوم افغانها به ایران در اواخر دوره صفویه، نادر درصد ایجاد امنیت و بیرون راندن مهاجمان برآمد و عاقبت زمام امور را بدست گرفت و با «تمام ستمکاریها رویهم رفته در ایران امنیت و آرامش برپا بود، راههای بزرگ باز بوده؛ تجارت و حمل و نقل از شهری به شهر دیگر در سایه امنیت برقرار بود و بازرگانان خارجی حتی بیشتر هم مورد مراعات بودند» (بازن، *۱۳۴۰:* ۲۱).

اما با وجود این امنیت در نتیجه لشکرکشی های پی در پی، شرایط نامطلوب اجتماعی و اوضاع نابسامان سیاسی در دوران زمامداری نادر نیز مشهود بوده است ولی مشهد به عنوان پایتخت خویش از وضعیت نسبتاً بهتری در مقام مقایسه با دیگر شهرها برخوردار بوده است. هرچند نادر در اندیشه داشت که پایتختی راکه برگزیده است از آن شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد(بارتولد، *۱۳۵۸:* ۱۲۳) ولی هیچ وقت به این آرزوی خویش دست نیافت و همواره پس از مرگش، فرزندان و جانشینان او به رقابت و نزاع برسر کسب قدرت با یکدیگر پرداختند و در نتیجه عدم ثبات سیاسی مشهد به عنوان مرکز حاکمیت، بیشتر مورد لطمات جبران ناپذیری گردید و زمینه را برای هجوم اقوام ترکمان و ازبک هموار می ساخت؛ به گونه ای که فریزر سیاح غربی در دیدار خود از مشهد در سال ۱۸۲۲ میلادی از نابودی حرم و زیبایی از دست رفته و وضع نامطلوب ساختمانهای عمومی یاد می نماید (فریزر، *۱۳۶۴:* ۳۰۷-۳۰۲).

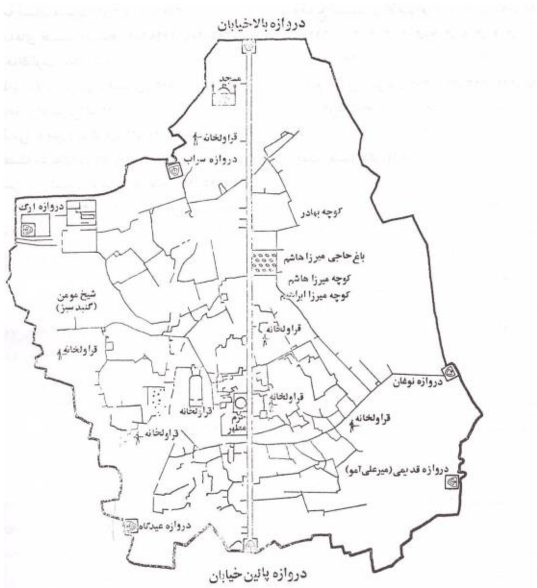
بیشترین اقدامات عمرانی که در دوره افشاریه در بارگاه رضوی انجام گرفت در زمان نادر و در نتیجه غنایم بسیاری بود که در طی نبردهای متعدد خویش به دست آورده بود. از جمله اقدامات مهم نادر در توسعه حرم رضوی که گاهی هم به هنگام بازگشت به مشهد به زیارت آن می پرداخت می توان به هدایت نهر آبی از بندگلستان به صحن حرم (مروی، *۱۳۶۴:* ۳-۲۰۲) و طلا کاری ایوان امیر علیشیر نوائی و گلدسته مجاور گنبد و احداث گلدسته جدید مشهور به نادری اشاره نمود(همان: ۴-۲۰۲ و نیز ر.ک: استرآبادی، *۱۳۶۱:* ۶۲).

۸-آستان قدس و زمامداران قاجاری

جایگاهی که مشهد الرضا در بین حاکمان حکومتی و عامه مردم در ادوار قبلی کسب کرده بود همچنان در دوره حاکمان قاجاری رو به گسترش بود. وجود بارگاه مقدس رضوی و جمعیت رو به گسترش مشهد در نتیجه امنیت نسبی موجود در آن نسبت به سایر شهرهای دیگر و هجوم فوج فوج زایران و اقوام مختلف و سیاست مذهبی شاهان قاجاری که به امر زیارت می پرداختند، موقعیت سوق الجیشی به جهت عبور راههای مهم بازرگانی و بازارهای پررونق و نیز نزدیکی به مرزهای هند و ثروت نهفته در بارگاه رضوی که باعث چشم دوختن ترکمانهای دشتهای خاوری گردیده بود همگی از اهمیت ارض اقدس در این دوره حکایت دارند.

آنچه در این دوره علاوه برجنبه مذهبی براهمیت بیش از پیش شهر مشهد تأکید می ورزد نتیجه رقابت بین دول بیگانه ای بود که بنابراهدافی که به دنبال آن بودند درصد نفوذ بیشتر خود در مشهد بودند، این نکته بطور بسیار واضح از گزارش سفرنامه نویسانی که در دوره قاجار از این شهر دیدار را داشته اند استنباط می گردد. سرپرسی سایکس در اهمیت این شهر می نویسد: «موقعیت سیاسی و تجاری مشهد در این ایام خیلی مهم و قابل ملاحظه است. از نقطه نظر حفظ مصالح ما، مغرب افغانستان در مقابل هرگونه تجاوزات سرحدی بایستی محفوظ بماند و تجارت هند و انگلیس نیز از این طریق مسأله مهم به شمار می رود. مشهد برای روسها نیز حایز اهمیت می باشد زیر کرسی نشین ایالت خراسان است وآذوقه روزانه عشق آباد را تأمین می کند (سایکس، *۱۳۳۶:* ۳۰)

.



نقشه ۶. مشهد در دوره قاجاریه (سیدی،۱۳۷۸: ۴۷۴)

اقدامات مهمی که شاهان قاجاریه در نتیجه توسیع و گسترش بارگاه رضوی که در منابع متعدد تاریخی از آنها ذکری به میان آمده است بشرح ذیل و به اختصار بیان می گردد:

در دوران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ هـ.ق) دستور احداث ساختمان صحن جدید و اهدای دری مرصع و زرین برای پایین پای حضرت راصادر نمود (اعتمادالسلطنهٔ، *۱۳۶۴:* ۳-۵۷۲. اعتمادالسلطنهٔ، *۱۳۶۲*، ج ۲: ۳۵۷. هدایت، *۱۳۴۹*،ج۹: ۳-۵۷۲. بسطامی،۱۳۱۵: ۴۲) در زمان محمد شاه قاجار علاوه بر به جریان انداختن مجدد نهر آب میان صحن، تعمیر و تزئین صحن جدید و گلدسته ها و احداث تالار دارالسعاده اقدام گردید(بسطامی، *۱۳۱۵:* ۵۰-۴۷ و اعتمادالسلطنهٔ، ۱۳۶۲،ج۲: ۲۳۵) .به هنگام زمامداری ناصرالدین شاه نیز به بارگاه رضوی توجهی خاص گردید. علاوه بر ترمیم خرابیهای حرم و تعویض سنگ فرش آن به سر و سامان دادن کتابخانه آستان قدس و مهار گلدسته های مسجد گوهرشاد و آینه کاری سقف قبه حرم رضوی و پایان طلاکاری ایوان صحن جدید توسط متولی باشی عضدالملک از جمله اقدامات مهمی است که در دوره حکومت ناصرالدین شاه صورت پذیرفت (بسطامی، *۱۳۶۴*،ج۳: ۵۴-۵۱؛ اعتمادالسلطنهٔ، *۱۳۶۴*،ج۳: ۱۸۸۶. هروی، *۱۳۶۳:* ۸۰).

در ایام مظفرالدین شاه (۱۳۱۳- ۱۳۲۴ هـ ق) نیز هر دو صحن جدید عتیق مرمت شدند و در سال ۱۳۳۰ ارتش روسیه تزاری گنبد مطهر را گلوله باران نمود و خرابیهایی پدید آورد (*دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی*، ج اول :۳۴۲).پس از روزگار قاجاریه نیز تعدادی از بناهای آستان قدس مرمت و یا اینکه ساختمانهای نوینی بنیاد نهاده شد. امروزه مشهد به جایگاهی همچون دومین کلان شهر مذهبی جهان دست یافته است و اینهمه تحولات و گسترش روز افزون ارضی اقدس رضوی از ابتدای شکل گیری تا به امروز مدیون وجود بارگاه رضوی در این سرزمین مقدس است که هر ساله سیل انبوهی از زایران و مجاوران حضرت رضا(ع) را مجذوب خویش نموده است.

نتیجه

با کسب اهمیت روز افزون خراسان و به تبع آن شهر مشهد ، روز به روز بر وسعت و اهمیت مشهد الرضا افزوده گردید و در ارکان

سیاسی و تقسیمات ایالتی کشور جایگاه ممتازی پیدا نمود. تاریخ پر فراز و نشیب مشهد از زمان پیدایش مشهد الرضا آغاز می شود و شرح رخداد شهادت امام هشتم (ع) سر آغاز رویدادهای تاریخی این شهر محسوب می گردد. دهکده سناباد که هسته اولیه مشهد را تشکیل می دهد پس از واقعه شهادت و خاکسپاری پیکر امام رضا (ع) آهنگ سرعت توسعه مشهد را رقم زد.

گرچه سرعت رشد و توسعه مشهد بویژه از روزگار سلطنت صفویان بخاطر توجه آنان به ترویج مذهب تشیع رو به افزایش گذاشته است ،لیکن شهر مشهد در پیش از صفویه و از نخستین قرنهای پیدایش نیز مورد توجه شیعیان و حتی شاهان سنی مذهب بوده است.رسمیت یافتن مذهب تشیع در عصر صفوی و افزایش توجه شیعیان به اماکن مقدس بویژه مرقد مطهر امام رضا (ع)، حضور شاهان صفوی و قاجاری در مشهد و انجام مراسم عبادی و زیارتی و نیز برقراری امنیت و دیگر مسایلی چون مناسب بودن شرایط جغرافیایی و آب و هوایی و علاقه شیعیان به اقامت در کنار حرم مطهر و فراهم ساختن امکانات شهری و کوچانده شدن طوایف به مشهد به جمعیت آن افزوده شد و وسعت و رونق مشهد بیش از پیش زمینه بیشتری را برای توسعه و جلب مسافران و زائران فراهم ساخت.جایگاهی که مشهد الرضا در بین حاکمان حکومتی و عامه مردم در ادوار قبلی کسب کرده بود همچنان در بین حاکمان قاجاری و پس از آن رو به گسترش نهاد.

بنابراین شهر مشهد در مسیر تکامل خویش در عصر صفوی و پایتختی آن در دوره زمامداران نادری و شکوفایی نسبی آن در طول سلطنت قاجار ،از ابتدای شکل گیری تا به امروز موجودیت خویش را مدیون وجود بارگاه رضوی است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزّالدین علی (۱۳۵۶). تاریخ کامل، ترجمه خلیلی و حالت، ،علمی ،تهران .

۲. ابن بابویه، ابی جعفر الصدوق (۱۳۶۲). عیون اخبار الرّضا، قم، کتاب فروشی طوس.

۳. ابن بطوطه (۱۳۶۸) . سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه علی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران .چ اول.

۴. ابن حوقل (۱۳۶۶). سفرنامه صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران .چ دوم.

۵. ابودلف (۱۳۵۴). سفرنامه ابودلف ،ترجمه سید ابوالفضل مینورسکی، ،زوار، تهران.

۶. ادیب هروی، محمد (۱۳۲۷). حدیقهٔ الرضویه،بی جا، مشهد.

۷. استرآبادی، سیدحسن (۱۳۶۶). از شیخ صفی تا شاه صفی، به اهتمام احسان اشراقی، علمی، تهران .

۸. استرآبادی، میرزا مهدی (۱۳۶۱)، جهانگشای نادری، به کوشش سید عبدالله نوری، انجمن آثار ملی، تهران.

۹. اسفزاری، معین الدین (۱۳۳۹). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، به تصحیح محمدکاظم امام، دانشگاه تهران،تهران.

۱۰. اسکندربیک،ترکمان (۱۳۵۰). عالم آرای عباسی، تهران، امیرکبیر،تهران. چ دوم.

۱۱. اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری ج۱، علمی و فرهنگی، تهران. چ دوم.

۱۲. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، علمی و فرهنگی، تهران.چ سوم.

۱۳. اعتماد السلطنه، محمدحسن(۱۳۶۴). تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران.

۱۴. اعتمادالسلطنهٔ،محمد حسن (۱۳۶۲). مطلع الشمس، پیشگام،تهران.

۱۵. امورفرهنگی آستان قدس (۱۳۵۶). آستان قدس دیروز و امروز، آستان قدس رضوی، مشهد.

۱۶. بارتولد، ولادیمیر (۱۳۵۸). تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، ،توس، تهران .چ دوم.

۱۷. بازن(۱۳۴۰). نامه های طبیب نادرشاه، ترجمه علی اصغر حریری، تابان، تهران.

۱۸. بسطامی (۱۳۱۵)، فاضل، فردوس التواریخ، تبریز(چاپ سنگی).

۱۹. بینش، تقی (۱۳۳۹). سنگاب خوارزمشاهی، نامه آستان قدس، (شماره ۱)، صص ۱۰۸-۷۵.

۲۰. بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۶). تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، دانشگاه فردوسی، مشهد.

۲۱. پاکزاد،جهانشاه(۱۳۹۰). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، آرمانشهر،،تهران .چ اول.

۲۲. پاول، هرن(۱۳۴۹). تاریخ مختصر ایران، ترجمه رضازاده، شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،تهران.

۲۳. حافظ ابرو (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح غلامرضا ورهرام، اطلاعات، تهران.

۲۴. حافظ ابرو (۱۳۷۲). زبدهٔ التواریخ، تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی، ج ۲، نی، تهران.

۲۵. خراسانی، محمدهاشم (۱۳۸۲) منتخب التواریخ، کتاب فروشی اسلامیه،بی جا.

۲۶. خنجی، فضل الله روزبهان (۱۳۴۱). مهمان نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۲۷. خواندمیرغیاث الدین (۱۳۵۳). حبیب السیر، ۲ج، به اهتمام محمد دبیرسیاقی، خیام،تهران چ دوم.

۲۸. خوافی، فصیح بن احمد (۱۳۳۹)..مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، باستان. مشهد.

۲۹. دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، ج اول، ذیل مدخل آستان قدس.

۳۰. دهخدا، لغتنامه، ذیل مدخل مشهد.

۳۱. ریچاردز، فرد (۱۳۴۳)،.سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۳۲. سمرقندی، دولتشاه (۱۳۵۷).تذکرهٔ الشعراء، تصحیح ادوارد براون، به کوشش محمد عباسی، کتابفروشی بارانی،تهران.
۳۳. سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۵۳). مطلع السعدین و مجمع البحرین، به اهتمام نوایی، طهوری،تهران،
۳۴. سایکس،سرپرسی (۱۳۷۰). تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، ج اول، دنیای کتاب،تهران . چ ۵.
۳۵. سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶)، سفرنامه سرپرسی سایکس، «دوهزارمیل در ایران» ،ترجمه حسین سعادت نوری، ابن سینا، تهران .چ دوم.
۳۶. سیدی،مهدی (۱۳۷۸).تاریخ شهر مشهد، جامی، تهران.چ اول.
۳۷. شاملو، ولی قلی (۱۳۷۱)،.تاریخ قصص الخاقانی، ج ۱، تصحیح سیدحسن سادات ناصری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،تهران.
۳۸. شریعتی، علی (۱۳۶۳). راهنمای خراسان، سازمان جلب سیاحان.
۳۹. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۷). مجالس المومنین، ج۲، کتابفروشی اسلامیه. تهران.
۴۰. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران،
۴۱. عوفی، محمد(۱۳۶۱)،. تذکره لباب االلباب، به سعی و اهتمام ادوارد براون، فخررازی،تهران.
۴۲. فریزر، جیمز بیلی(۱۳۶۴). سفرنامه فریزر، ترجمه دکتر منوچهر امیری، توس، تهران. چ اول.
۴۳. قصابیان، محمدرضا(۱۳۷۷). تاریخ مشهد، نشر انصار، مشهد،.چ اول.
۴۴. قمی. تحفهٔ الطوسیه، بی جا.بی نا، بی تا.
۴۵. کاویانی، احتشام(۱۳۵۴). شمس الشموس، بی جا.
۴۶. کلاویخو(۱۳۶۶). سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، علمی و فرهنگی، تهران. چ دوم.
۴۷. گردیزی، ابوسعید عبدالحّی (۱۳۶۳). زین الاخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، بی جا.
۴۸. لسترینج،گای (۱۳۹۰).جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی،مترجم:محمود عرفان ،علمی فرهنگی،تهران .چاپ هشتم.
۴۹. مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴). عالم آرای نادری،تصحیح محمدامین ریاحی، زوار. تهران.
۵۰. مستوفی ، حمدالله (۱۳۶۲). نزههٔ القلوب، به اهتمام لسترنج، دنیای کتاب،تهران،
۵۱. مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفهٔ االقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان، تهران.
۵۲. مؤتمن، علی (۱۳۴۸). تاریخ آستان قدس، چاپخانه بانک ملی.
۵۳. مؤلف ناشناس (۱۳۱۸). مجمل التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعرای بهار، خاور،تهران.
۵۴. میراحمدی (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، امیرکبیر، تهران.
۵۵. میرخواند (۱۳۳۹).روضهٔ الصفا، چاپ پیروز،تهران،
۵۶. مینورسکی (۱۳۴۱). مقاله طوس ترجمه سمبات قوطانیان، نشریه فرهنگ و هنر، ش(۲۱ و ۳)، اردیبهشت و دی .
۵۷. پیت،کلنل (۱۳۶۵). سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت الله روشنی، یزدان. تهران.
۵۸. هدایت، رضا قلی خان(۱۳۴۹). تاریخ روضه الصفای ناصری، کتابفروشی خیام، تهران.
۵۹. هروی، محمدیوسف (۱۳۶۳). عین الوقایع، به تصحیح عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب،تهران.
۶۰. همدانی، فضل الله (۲۵۳۵). آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل الله، به کوشش هاشم رجب زاده، چاپ خرمی،.تهران.
61. Streek,M. (1991).''MASHHAD'', Encyclopedia of Islam. Vol.6، 713-716.